

# دلزدگی انسان مدرن در سایه اقتصاد پولی

یوسف اباذری در همایش خوانش انتقادی  
جامعه‌شناسان کلاسیک و مسائل اجتماعی  
ایران: جورج زیمل

ابوالفضل رجبی

جورج زیمل (1858-1918) یکی از اندیشمندان کلاسیک جامعه‌شناسی است که همیشه در حاشیه سه‌گانه مقدس دورکیم، وبر و مارکس به آن پرداخته شده است. میراث زیمل، در جامعه‌شناسی به دلیل انزوای اجتماعی و سبک خاص نگارش او کمتر مورد توجه بوده و بسیاری او را صاحب یک نظام اندیشگانی یکپارچه نمی‌دانند. اما نگاه زیمل به مفهوم پول در زندگی مدرن و همچنین ترسیم حیات کلان‌شهری و مفهوم غریبگی در وضعیت مدرن در سایه سیاست‌های آزادسازی اقتصادی امروز به شدت به تجربه ما نزدیک است. زیمل خود را فیلسوف می‌دانست و روشی هم که در تحریر آثارش به کار گرفته معمولاً بر چینش یک خط سیر تاریخی استوار است. مفهوم ارزش در نظر این فیلسوف نوکانتی بر خواست انسان مبتنی است. او بر همین اساس به شکل‌بندی مفهوم فلسفه پول و همچنین مبادله پرداخته و جابه‌جایی غایت در دنیای مدرن را ناشی از سلطه اقتصاد پولی می‌داند. این صورت‌بندی زیمل از دنیای مدرن همچنان به عنوان مسأله‌ای جهان است و به نظر می‌رسد با پیگیری این نگاه می‌توان در رابطه با وضعیت کنونی چه در ایران و چه در جهان پرسش‌هایی را مطرح کرد. سومین همایش خوانش انتقادی جامعه‌شناسان کلاسیک و مسائل اجتماعی ایران: جورج زیمل در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه، 12 و 13 آبان‌ماه به صورت آنلاین با همکاری گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی و انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار شد. در این همایش یوسف اباذری، پرویز اجلالی، فرهنگ ارشاد، زهره بیات‌ریزی، توماس کمپل، مسعود گلچین، یعقوب موسوی، محمود نجات حسینی و عبدالرضا نواح به خوانش انتقادی از زیمل و ارتباط اندیشه او با وضعیت امروز ایران پرداختند. این همایش در 7 نشست زیمل و سنخ اجتماعی غریبه، کلان‌شهر، حیات ذهنی و رفتار شهروندان،

کلان‌شهر، مدگرایی و اخلاق اجتماعی، مدرنیته، فرهنگ و تراژدی فرهنگی، حیات‌گرایی و جامعه‌شناسی دین زیمل، جامعه‌شناسی اقتصادی، فلسفه پول و از خودبیگانگی و جامعه‌شناسی صوری و تاریخی، دیالکتیک و تضاد در آثار زیمل برگزار شد که روزهای آینده بخش‌هایی از آن را نیز گزارش خواهیم کرد. در ادامه سخنرانی یوسف اباذری راکه بخشی از مراسم افتتاحیه این همایش بود، می‌خوانید.

## یوسف اباذری

معرفی اندیشه جامعه‌شناسان کلاسیک در ایران سرنوشت تلخی پیدا کرده است، چراکه آنها را در قالب کتاب‌های درسی و بری از هرگونه تناقض و پیچیدگی به شکل فرمال در کلاس‌های جامعه‌شناسی به دانشجویان ارائه می‌کنند. هنوز جامعه‌شناسی در ایران به آن مرحله نرسیده که از آرای کسانی چون زیمل به عنوان تارری در پود تحقیقات اجتماعی استفاده شود و از این جهت نیازمندیم که چنین جلسات و همایش‌هایی برگزار شود تا به شکل دیگری به این مساله بپردازیم، زیرا نظریه‌های جامعه‌شناسان بزرگ راهی جدا از تحقیقاتی که در ایران انجام می‌گیرد، دارند و در این میان هر کدام راه خود را می‌روند. این رویکرد امکان ایجاد خلاقیت و به کارگیری نظریه‌ها را در اندیشه اجتماعی ناممکن کرده است.

برای اینکه بتوانم این موضوع را بهتر بیان کنم باید به نشستی که دو سال پیش با هزینه میلیاردری در دانشگاه تهران، انجام شد، اشاره کنم. در این نشست از جامعه‌شناسان خواسته بودند که چگونه باید سرمایه انسانی را به وجود آورد و از همین نشست نتیجه گرفتند که جامعه‌شناسان باید کاری کنند که اعتماد اجتماعی میان دولت و ملت ایجاد شود. این درخواست مکرر دولت از ما بود تا کاری کنیم تا در سرمایه انسانی ایجاد اعتماد کنیم. نگاه دولت به کار ما به شکلی بود که انگار قرصی در جیب جامعه‌شناس ایرانی هست که از طریق آن می‌تواند اعتماد اجتماعی را در جامعه ایجاد کند. من همانجا گفتم که در رابطه با این موضوع نه تنها به نظریه‌های این حوزه بلکه به کنش‌های موجود در ایران نیز توجه ندارید و می‌خواهید با یک جادو اعتماد اجتماعی را شکل‌بندی کنید. همبستگی اجتماعی بر اثر سیاست‌های آزادسازی اقتصادی در جهان از بین رفته و تنها به مدد ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد و اتحادیه‌ها در جامعه می‌توان اعتماد اجتماعی را بازگرداند. در حالی که ما در داخل کشور به کارگران و معلمان و دیگر مشاغل و صنفا اجازه تشکیل اتحادیه ندادیم و عملاً

از ایجاد اعتماد اجتماعی و سرمایه انسانی جلوگیری کردیم. ما در ایران نتوانستیم نظریه‌های جامعه‌شناسی را در جامعه کاربردی کنیم و به همین خاطر امکان گفت‌وگو درباره انواع اشکال و فرم‌های اجتماعی فراهم نشده است. اعتماد اجتماعی زمانی برقرار می‌شود که اتحادیه‌های مختلف و فرم‌های اجتماعی ساخته شده توسط مردم به رسمیت شناخته شوند.

### اهمیت پروبلماتیک زیمل

اهمیت زیمل در تامل عمیق او در زندگی مدرن و اشکال مختلف پول است. او در کنار کسانی چون دورکیم، مارکس و وبر و همچنین ابن خلدون برای ما اهمیت دارد و قابل تامل است. در ادامه صحبت‌هایم درباره شباهت و پیوند اندیشه او با ابن خلدون بیشتر خواهم گفت. اما زیمل سه مفهوم اصلی مراد از اجتماعی (sociation)، زندگی به عنوان جریان بلاوقفه و متغیر فیلسوفی است که به اشکال گوناگون خودش را نمایان می‌سازد و همچنین فرهنگ که نحوه به وجود آمدن این اشکال اطلاق می‌شود، توجه دارد. بنابراین، زیمل به اشکال ثابت زندگی معتقد نیست و در زندگی مدرن مراد از اجتماعی را عنصری برای تغییر این اشکال مسلط می‌داند. او با این رویکرد به تامل عمیق درباره مفهوم پول در زندگی مدرن می‌پردازد و شکل هدف‌بودگی و ابزارشدگی آن را شکل‌بندی می‌کند.

پروبلماتیک و روش زیمل در آخرین مقاله او یعنی «تضاد فرهنگ مدرن» روشن‌تر از هر زمان دیگری است. او با ایجاد یک خط سیر تاریخی برای اندیشه‌هایش به تضاد موجود در زندگی مدرن می‌رسد و آن را صورت‌بندی می‌کند. از نظر زیمل در یونان باستان مهم‌ترین مساله همانا ایده هستی بود که در تمام اشکال دینی و خانوادگی و نحوه مراد از اجتماعی بر این اساس برسازی می‌شد. او کمی جلوتر می‌آید و به قرون وسطی مسیحی اشاره می‌کند که تمام اشکال مراد از اجتماعی تحت ایده خدا شکل می‌گرفت. زیمل همچنین معتقد است در قرن 18 این ایده طبیعت بود که بر زندگی اجتماعی سیطره یافت و درست در قرن نوزدهم بود که ایده جامعه در محوریت شکل‌گیری اشکال مختلف اجتماع ظهور کرد. خود زیمل نیز در اواخر قرن نوزدهم در زمان تسلط ایده جامعه زیسته و اشکال جدیدی که مبتنی بر ایده جامعه به وجود آمدند را دیده است. زیمل عصر جدید را عصر بی‌شکلی می‌داند و معتقد است بی‌شکلی، شکل دوران مدرن است. او از طریق تحلیل هنر مدرن به ایده بی‌شکلی دوران مدرن می‌رسد. زیمل با مقایسه سبک اکسپرسیونیسم با نقاشی کلاسیک و همچنین رمان مدرن با کلاسیک به این صورت‌بندی دست یافت. هنر در دوران مدرن با ایده بی‌شکلی به حرکت خود ادامه داد و عرصه‌ها و

اشکال گوناگونی نیز ایجاد کرد. دیگر مصداق این بی‌شکلی را می‌توان در شکل دین و ظهور ادیان و عرفان‌های شخصی پیگیری کرد. در عصر مدرن نوعی عرفان شخصی‌شده جایگاه دین را در ساحت اجتماع می‌گیرد اما این بدین معنا نیست که دین از بین رفته است بلکه موید همان تغییر شکل ایجاد شده در این دوران است. این استحاله دین و عرفان را در خود ایران نیز می‌توان به خوبی دید و با اینکه دین در جامعه ما يك سازمان مستقر هم دارد باز این اتفاق و تغییر شکل رخ داده است. ایده دین‌خویی از همین نظر به شدت خام‌دستانه و کوتاه‌نظرانه است، چراکه فرض اصلی آن نادیده گرفتن اشکال جدید زندگی مدرن است. در حالی که شیوه زندگی مدرن، دین را ساقط نکرده بلکه به دلیل ذات متغیرش اشکال جدید دین‌ورزی را تولید و به رسمیت شناخته است.

### ایده سلبریتی‌بازی از کجا می‌آید؟

با تلفیق دیدگاه زیمل و دورکیم می‌توان اشکال جدید دین‌ورزی مدرن را تحلیل و تفسیر کرد. امروز می‌بینید که از سلبریتی‌ها در ایجاد اعتماد اجتماعی چگونه بهره می‌گیرند و با سلبریتی‌بازی، میل به قدرت‌طلبی خود را ارضا می‌کنند. این افراد با هاله‌ای از جاهت و با برتری شبه قداست‌گونه از دیگران متمایز می‌شوند و اینها همان سلبریتی‌های جهان مدرن هستند که با یکسان‌سازی و یکدست‌سازی در جهان کنونی ظهور کرده‌اند. ایده سلبریتی در پی رشد سیاست اقتصاد پولی برای کسانی که به دنبال قدرت در این جهان هستند، شکل گرفت تا واسطه‌ای برای اعمال قدرت بر مردم باشند. پرورش سلبریتی‌های فوتبالی و ستاره‌های سینما بیانگر دین‌خویی در عصر جدید است که در شکل دیگری نمایان شده و با قدرت عرصه‌های مختلف اجتماع را به خود مشغول داشته است. مایکل جکسون که از دل يك ایده دینی سکولار شده بیرون آمده است. این مفهوم از آن جهت اهمیت دارد که برخی تمایز بین امر قدسی و سکولار را پیش می‌کشند، در حالی که این دو از هم به آسانی عبور کرده‌اند که يك خواننده راک یا پاپ می‌تواند به يك امر دینی تبدیل شود.

این شکل از ارتباط برای زیمل يك رابطه بی‌شکل است و بسیاری با رشد اقتصاد پولی به این شکل از رابطه متمایل شده‌اند. شاید کمی قبل‌تر مشروعیت این نوع از رابطه مورد پرسش بوده اما اکنون به دلیل رواجش قابل پرسش هم نیست.

از همین رو ما نباید به يك قضاوت ساده ارزشی از این پدیده‌های اجتماعی بسنده کنیم. این بی‌شکلی، شکل جدید دوران مدرن است که اقتصاد پولی و مالی مبنای آن است. به همین دلیل به این مقاله

اشاره کردم، چراکه از این مقاله می‌توان به فهم زندگی مدرن رسید و مبناي حرکتی آن را دریافت. از طرفی به همین دلیل است که در تحلیل زیمل از مراوده اجتماعی تحلیل بوسه یا شکل دست دادن مهم‌تر از تحلیل ساختار کلیسا جلوه می‌کند، چراکه این تحلیل‌ها ما را به عمق زیست مدرن نزدیک‌تر می‌کند. زیمل همچنین اصالت خاصی برای فرم‌های گوناگون زندگی و شکل ناپایدار زندگی مدرن قائل است.

### عقلانیت زیملی

مهم‌ترین کتابی که زیمل نوشته «فلسفه پول» است که در کنار مجلد سوم «سرمایه» مارکس باید خوانده شود. در این کتاب، زیمل به مساله ارزش و اینکه از کجا شکل گرفته، اشاره می‌کند و معتقد است ارزش امری پیشینی نیست و بر اثر مراوده اجتماعی با رویکرد تاریخی به وجود آمده است. او می‌گوید فرهنگ یونانی در کنار فرهنگ مسیحی و همچنین ایده طبیعت در کنار ایده مدرن به شکل عقلانیت و خردگرایی (Rationalism) معنا پیدا کرده‌اند. بنابراین همان‌طور که بورديو می‌گوید در میدان هنر اجتماعی با هنر بورژوازی نیز از طریق همین شکل از عقلانیت با هم در ارتباط قرار می‌گیرند. از نظر زیمل سیر تاریخی دوران مختلف و همچنین مراوده اجتماعی به نوعی معنای خودش را مرهون عقلانیت است.

ارزش از نظر زیمل به چیزی اطلاق می‌شود که من آرزوی آن را دارم اما نمی‌توانم در لحظه آن را به دست آورم و به همین دلیل است که چیزی ارزشمند است که حصول آن زمانمند باشد. پول همچنین رابطه میان هدف و ابزار را نیز صورت‌بندی دوباره کرد و مبادله شکل جدیدی به خود گرفت. بر اساس الگوی نوکانتی‌ها این خواست انسان است که به چیزی ارزش می‌دهد و در اینجا است که مبادله شروع می‌شود و افراد برای به دست آوردن آرزوهای خود با هم مبادله می‌کنند. زیمل، همچنین توضیح می‌دهد که چگونه پول به اینکه تنها ابزار باشد، بسنده نمی‌کند و به هدف نیز تبدیل می‌شود و به همین خاطر است که زندگی در سایه اقتصادی مالی با زندگی در قرون وسطی که ایده اصلی خدا بود، بسیار متفاوت است. پول همه‌چیز را یکسان می‌کند و یکسان‌سازی در اقتصاد مالی مهم‌ترین مساله و ابزار است. شما امروز در بورس می‌بینید که هر چیزی خرید و فروش می‌شود و کیفیت جای کمیت را می‌گیرد در این مرحله است که غایت نابود می‌شود و خود پول به عنوان غایت در مبادله جا پیدا می‌کند.

### فرهنگ در سایه اقتصاد پولی

زیمل معتقد است که فرهنگ جدید نیز دچار چنین چالشی است و در آن

همه کیفیت‌ها به کمیت تبدیل می‌شود و از این رو است که فرد مدرن به شکل دایم نگاهی دلزده به جهان دارد، چراکه یکسان‌سازی پولی غایت زیستی او را از آن خود کرده است. ایده زیمل این است که غایتی که در ابتدا وجود دارد در ادامه بر اثر غلبه اقتصاد مالی به فراموشی سپرده می‌شود و فرد مدرن فراموش می‌کند که اصلاً از کجا آغاز کرده است. در جامعه امروز ما نیز برخی خیال می‌کنند اگر قیمت بنزین افزایش پیدا کند، بزرگ‌ترین کنش را رقم زده‌اند اما به هیچ‌وجه این‌گونه نیست، چراکه این غایت در نهایت تسلیم اقتصاد مالی شده، چراکه تنها سایه‌ای از غایت اولیه مانده است.

در اینجا می‌توان به ابن‌خلدون نیز گریزی زد. این موضوع از منظر ابن‌خلدون همان فساد است که به معنی از بین رفتن غایت هر چیزی است. عظمت ابن‌خلدون در اینجاست که فساد ساختاری را مطرح می‌کند و معتقد است به این دلیل همبستگی اجتماعی نیز از بین می‌رود و اعتماد نیز در جامعه مخدوش می‌شود. بر اساس نظریه ابن‌خلدون در شرق، فرهنگ یعنی فساد. این نظریه محتاج واکاوی و تامل بیشتر است تا بتوانیم پلی برای فهم وضعیت کنونی با استفاده از نظرات زیمل و ابن‌خلدون ایجاد کنیم. اما در حال حاضر اندیشه جامعه‌شناسانه اجازه حضور در ساحت اجتماعی را ندارد.

افرادی که وضعیت اجتماعی ایران را مخدوش نشان می‌دهند، نیهیلیسم را در وضعیت بورس و اقتصاد پیدا کنند که چگونه همه‌چیز در آن هم سطح شده است. آنها می‌گویند همه دنیا به این وضعیت نیهیلیسمی دچار است و راه‌حلی برای خروج از آن نیست. این به معنای پذیرش فلاکت جهانی است. با این رویکرد چگونه می‌توان ادعای منحصر به فرد بودن را یدک کشید؟ من معتقدم در ابتدا باید مسائل را در سطح خاورمیانه و همسایگان و بعد در سطح جهان حل کنیم. این وضعیت یعنی پذیرش همسطح‌سازی‌ای که زیمل از آن صحبت می‌کند و این مساله هم‌اکنون برای ما معنا یافته است. مساله زیمل این است که نظریه را در تمام ساحت مختلف جامعه از اقتصاد، عشق، خانواده و غیره بسط دهد. اگر قصد نداریم که سیاست طبقاتی را دنبال کنیم باید به نگاه راهگشای زیمل توجه کنیم و اقتصاد را جور دیگری سامان دهیم و به جهان نیز کمک کنیم تا شکل دیگری را در پیش بگیرد.

زیمل در مواجهه با طبقه دارا بر کلبی مسلکی آنها تاکید می‌کند و معتقد است چون این طبقه هیچ ارزش دیگری ندارند، با بریز و پاش‌های مختلف می‌خواهند صاحب ارزش شوند. در ایران هم طبقه دارا دچار چنین خصوصیات است که زیمل از آنها یاد می‌کند. پول آزادی‌بخش است چون پول ردپای خودش را گم می‌کند. پول کثیف نیز چون رد پای خودش را گم می‌کند، عده‌ای به همین دلیل در کانادا و ترکیه خانه

می‌خرند و تا از چرایی این مساله پرسش می‌کنیم یک عده از ایرانی‌شهری‌ها می‌گویند پول به جایی می‌رود که امنیت دارد، چون مرادده اجتماعی ارزش خودش را در ایران از دست داده و جای آن را اقتصاد مالی گرفته، اندیشه ایرانی‌شهری علم می‌شود که ارزشی تولید کند که مخالف کل ارزش‌های موجود در جامعه است. رشد فاشیسم نیز بر اثر گسترش سیاست‌های اقتصاد مالی به وجود آمده که اکنون به مساله‌ای جهانی بدل شده است.

---

زیمل در مواجهه با طبقه دارا بر کلبی مسلکی آنها تاکید می‌کند و معتقد است چون این طبقه هیچ ارزش دیگری ندارند، با بریز و بی‌شاهی مختلف می‌خواهند صاحب ارزش شوند. در ایران هم طبقه دارا دچار چنین خصوصیات است که زیمل از آنها یاد می‌کند. پول آزادی‌بخش است چون پول ردپای خودش را گم می‌کند.

□□□□□□ 1400 □□□□ 15 □□□□□□ □□□□□□□□:□□□□